

دین برهمن

۱ - گنپ مقدس

دکتر منوچهر خدایار محبی

در قرن نهم یا هشتم قبل از میلاد
برهمنان برای تثبیت مقام خود

در ردیف اول جامعه از آیین ودا دینی بیرون آوردند که آنرا دین برهمن (Brahmanisme) مینامند . متون مقدس دین برهمن برهمنها (Brahmanas) و اوپانیشادها (Oupanishads) نام دارد .

برهمنانها باید بین هشتصد و ششصد قبل از میلاد تألیف شده باشد. این متون شامل کتبی مربوط به قربانی، اثبات شرح‌های پیچیده، اشتقاق کلمات و افسانه‌های خدایان است. اوپانیشادها (محاورات محرمانه) باید بین سالهای ششصد و سیصد قبل از میلاد تألیف شده باشد و آنها را ودانتا: (Védanta) یعنی نتیجه یا پایان ودا مینامند . در نیمه دوم قرن ۱۸ بعد از میلاد یک جوان کنجکاو فرانسوی موسوم به آنکتیل دوپرن (Anquetil - Duperron) برای تحقیق محلی درباره دین زرتشت نزد پارسیان بمبئی به هندوستان رفت و کتب خطی بسیاری درباره دین قدیم ایران باروپا آورد. در میان این متون پنجاه قطعه اوپانیشاد بود که بزبان فارسی ترجمه شده بود. آنکتیل دوپرن آنها را بزبان لاتین ترجمه کرد. شوپنهاور (Schoepenhaver) فیلسوف آلمانی در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم از این قطعات استفاده کرد.

اوپانیشادها شامل متون متعدد زیبایی هندو است . بسیاری از مردم هند روزانه درباره کتب ودا یعنی اوپانیشادها تفکر میکنند. گفتارشان در خصوص، وحدت، آزادی، صلح و آرامش روح است که انعکاس آن در غرب هم یافت میشود.

شوپنهاور مینویسد: قرائت این متون سودبخش‌ترین و مقدس‌ترین عملی است

که درجهان ممکن است انجام داد. قرائت این متون موجب تسلی زندگی من بوده و برای هنگام مرگ مرا کافی است.»
 برهمنان ظاهراً درباره رستگاری از راه قربانی اصرار دارند ولی اعلام میدارند که رستگاری از راه معرفت (Connaissance) بدست میآید و دارندگان چنین معرفتی آنرا بمریدان خود انتقال میدهند.



۲- مکاتب دین برهمن

الف : برهمن و آتمن

یکی از موضوعات اساسی دین برهمن را بحث درباره شخصیت برهمن (اصل اساسی جهان) و آتمن یا من کامل (moi profond) تشکیل میدهد. سپس مهاجرت و انتقال ارواح است که سمسار (Samsâra) نام دارد که در نتیجه اعمال موجودات قبلی که به کرمن (Karman) موسوم است آمین میشود.

عبارت برهمن ابتدا جهت دستورالعمل قربانی است و چون قربانی وضع خدایان و جهان را تثبیت میکند این کلمه برای بیان اصل اساسی جهان بکار میرود.
 از آغاز فقط برهمن وجود دارد که خالق خدایان است. برهمن جاویدان در همه جا در جلو و عقب و راست و چپ، بالا و پایین موجود و سازنده آسمان و زمین و هوا و روح و حواس است.

همانطور که کفها، امواج، تمام صور، کلیه ظواهر دریا با دریا تفاوت ندارد بین جهان و برهمن نیز هیچگونه تفاوتی نیست. درحقیقت برهمن همه چیز است.
 جهان خارجی تصاویر محسوس ایجاد میکند. اساس وجود جهان اشکال و نامهای برهمن است که منشاء اصلی قدرت جادو و اساس عالی هر حقیقتی است. باین طریق برهمن ممکن است تغییر و تبدیل صحیحی از مانای ملانزی باشد.
 با کشف اساس جهان خارجی متفکرین هندو بخود متوجه میشوند و در عمق خودشان آتمن (âtman) را مشاهده میکنند.

در جسم انسان نفخه و نسیم اصل حیات نفوذ دارد که تمام این نسیمها و نفخات بیک نفخه و نسیم مرکزی که آتمن نام دارد مربوط میگردد.
 آتمان در میان نفخات حیات در اطراف و جوانب است. آتمان روح من در ته قلب من است که از دانه جو و تخم خردل و دانه برنج ریز تراست.
 آتمان روح من در ته قلب من است که از زمین و هوا و آسمانها و جهان لایتنهای

وسیعتر میباشد. در آتمن حقیقی مشاهده میکنیم که مخلوق نیست و جاویدان است. مبدأ ، ابتدا، گون پایان چیزی جز صور و ظواهر نیستند .

چون در برهمن مطلق خارجی و در آتمن مطلق داخلی و باطنی یا ذاتی مشاهده میشود متفکرین هندو از آن اصل دیگری را که شخصیت کامل برهمن و آتمن است کشف میکنند و آن حقیقت مطلق را آتمن - برهمن (Atman - brahman) مینامند .

در جهان باید آتمن را دید و گوش کرده فهمید و اندیشه نمود. کسیکه آتمن را گوش دهد و بفهمد و تأمل و تفکر کند جهان را میشناسد. زیرا آنچه که در ته انسان و خورشیداست تنها یک چیز است .

اگر در وجود خود تعمق و بررسی کنیم، هستی مشاهده میکنیم. این همان هستی است که در وجدان هراسان و در وجود حیوانات و نباتات و دنیای حقیقی یافت میشود. در مقابل آنچه وجود دارد ما باید احساس کنیم :

که یکی هست و هیچ نیست جز او
وحده لاله الا هو

ب: انتقال ارواح

با وجود عقیده فوق در ظاهر من مطلق خود را از این دنیایی که بآن شباهت دارد متمایز میسازد .

تمدد موجودات نه تنها بداست و حقیقت ندارد بلکه موجب رنج و بدبختی است. باین جهت خورشید چشم جهان در پناهگاه دور از تمام بیماریهاییکه بچشم انسان حمله میکند ساکن است، همچنین آتمن بی همتا در تمام موجودات در پناهگاه دور از درد و رنج جهان قرار دارد . الدنبرگ (aldenberg) در کتاب خود موسوم به «بودا» که در سال ۱۹۰۳ در پاریس بطبع رسید مینویسد: آتمن بی همتا و سعید در عالم تمدد که در حال انقطاع است تجلی نمیکند زیرا در تمدد بدبختی موجوداست بهتر آنست که تمدد وجود نداشته باشد .

باید دانست که چگونه این بدی تمدد از من و جهان جدا میگردد. برای پاسخ باین مسئله دین برهمن از عقیده قدیمی دین تهمینی عقیده مهاجرت ارواح (Smsâra) استفاده میکند .

دین ودا زندگی پس از مرگ را از دین آتمن اخذ مینماید و میپذیرد ولی دنیاله نامعین و نامحدود وجودهای مختلف همان موجود را نمیپذیرد . اما در دین برهمن معتقدند که تمدد موجودات متصل بتحول این موجودات در میان و در خلال و یا مطابق با وراثت و توالی موجودات انسانی یا حیوانی در روی این زمین یا در عوالم دیگر است .

هریک از این موجودات بوسیله عملیات کاملی در وجود پیشین معین میگردد. این احتیاج یا وجوب را کرمن (Karman) مینامند که بعنوان یک سرمایه اخلاقی در اعتبار یا در بدهی ما میباشد. اگر دارای زندگانی کم و بیش نیکی باشیم بیک زندگانی کم و بیش عالی میرسیم یعنی رفتار و سلوک ما شکل دخول و تظاهر مجدد ما را معین میسازد. در اینجا طرز تفکر مذهبی بصورت اصول اخلاقی نمایان میگردد. تصدیق و تصویر اعمال انسان است که تظاهر مجدد بهتر یا بدتر را نمایان میسازد.

چون تولد ثانوی شرکت مجدد در رنج جهان است شروع زندگی ابدی آغاز رنج ابدی است. در اینصورت رستگاری از کجا میآید؟ در یک متن برهمن مینویسد: مرا نجات بده. من خود را مانند قورباغهای در ته سوراخ چاه بدون آب حس میکنم.

رستگاری (Moksha) در این است که انسان خود را از کرمن رها سازد و آزاد کند تا از هرگونه تولد ثانوی خلاص گردد. این عمل بشرطی امکان دارد که انسان جزر آتمن کسی را نخواهد. زیرا آتمن جاویدان در ما وراء تعدد و نیکی و بدی و رنج قرار دارد. مخلوق نیست و با رنج سروکاری ندارد و هیچ عملی او را توصیف نمیکند.

الدنبرگ در کتاب خود یکی از متون برهمانا را چنین نقل میکند:

همانطور که یک قلابدوز قطعات چند رنگ پارچه را جدا میکند و یک چیز تازه دیگر و نمونه بهتری میسازد. همانطور روح در هنگام مرگ جسم را رها میکند که نابود شود و شکل جدید دیگری خواه انسانی، خواه الهی، خواه موجودات دیگر بخود میگیرد و در حقیقت آنچه در زندگی قبلی کاشته درو میکند کسی که نیکی میکند موجود خوبی میشود آنکه بد میکند بد میگردد نتیجه نیکی پاکی و ثمره پلیدی بدی است. کسی که در خود فرو میرود. هوای نفس ندارد. امیال خود را رها میکند. و فقط توجه به آتمن دارد. چنین کسی که امیال خود را از قید جسم و رنج حیات رهایی میدهد بجسم دیگری فرار نمیکند. بلکه خود را در اینجا متمرکز میسازد. او برهما است و بسوی برهما مراجعت می کند.

چون خود را از خواستههای نفس خلاص سازد.

فانی این جهان جاویدان در جهان برهما داخل میگردد.

چون به شخصیت آتمن و برهمن علم یقین حاصل کند. امیال خاموش گردد و رستگاری از راه معرفت بدست آید.

کتاب اوپانیشاد لذت و وحدت عرفانی بین من و وجود همگانی را تقدیس میکند و رنه گروسه (René Grousset) در کتاب فلسفه شرق (Histoire de La - philosophie orientale) آنرا چنین بیان میکند:

چون او بنگرد، وجود درخشان، خالق قادر متعال، روح شبیه بخود برهمن، زمانیکه از فوق نیکی و بدی، پاک از هر رنجی بگذرد شخصیت عالی درک کند که دور و در عین حال نزدیک است. بینندگان آتمن را در قلب خود خواهند یافت. خردمند در حالیکه

بکمال رسیده و در صلح کامل فرورفته با همه متحد میشود و به آتمن میرسد که در تمام اشیاء نفوذ میکند .

همچنانکه رودخانه‌ها خود را در دریا می‌نهند و نام خویش را از دست میدهند و اشکال آنها اقیانوس را تشکیل میدهد. خردمند هم خود را از نام و شکل رها میکند و در جوهر درخشان روح گم میشود و نفس برهنه میگردد.

۲- مکتب مرتاضان

مکتب یوگا (yoga) که فلسفه مرتاضان هند را تشکیل میدهد دارای طریقه و دارویی است که من صوری و ظاهری را از بین میبرد . برای اینکه چیزی جز من اصلی وجود نداشته باشد پیرو این مکتب یعنی مرتاض (yogi) در صدد است آنچه که هست بشود و برای رسیدن بمقصود باید تدریجاً اعمال دقیق و مرتب انجام دهد . مرید این مکتب باید بیحرکت باشد و دم بر نیآورد. انقباض حواس و تمرکز افکار را برقرار سازد الغاء و حذف تمام افکار را شمار خویش سازد. روش الغاء بنفس را با خشونت نسبت بخود انجام دهد. حدود شخصیت را درهم شکنند. من حادث و شخص ترا از میان بردارد .

رنه گروسه مینویسد: موهبت دو گونه بینی و حاضر در همه جایی . نیروی خروج از جهان مادی از امتیازات بسیار عادی مرتاضان است. تلقین بخود، ارتباط با ارواح، خواب مصنوعی، خشک و بیحرکت نگاه داشتن بدن که مرتاض در خود ایجاد میکند نوعی نیروی مغناطیسی در اطراف وی ایجاد میکند .

الدنبرگ در آثار خود موسوم به «دین ودا» و «بودا» مینویسد:

چون برهنه یا مریدش تکالیف متداول را تکمیل کند و اراده اموال جامعه را به پسرش منتقل سازد مانند شخص عابد و زاهد و منزوی به اعماق جنگل میرود که در آنجا به سکوت و اندیشه مذهبی بپردازد و راهب فقیر می‌شود که آتمن خود را بشناسد. برهمنان از توجه بآیندگان و اعقاب و ثروت و ترقی دنیوی چشم پوشی می‌کنند و بصورت فقیر در می‌آیند و باین ترتیب رهبانیت هندو را آغاز مینمایند. این فقرا با موهای بلند ، پینه بسته گندم گون چون خدایان در آنان حلول میکنند خود را در ورزش باد قرار میدهند.

دین هندو

۱ - دین هندو و متون آن

در قرن ششم قبل از میلاد در مقابل قدرت برهمنان دو عقیده مخالف چین و بودا قرار گرفت. در این صورت روحانیون لازم دانستند عقاید عمومی دین را با آنچه که ریاست دارند نزدیک سازند. در اثر چنین تحولات دین هندو کم و بیش رسمیت یافت. گرچه برای این تحول فکری نمیتوان تاریخ معینی برقرار ساخت ولی میتوان دین هندو را در قرن اولیه بعد از میلاد یعنی عصر شروع انحطاط بودا قرار داد.

متون مقدس دین هندو عبارت است: از متون قبلی ودا برهمن و اوپانیشادها، متون پورانا (Pourana) یعنی عهد قدیم که حاوی افسانه‌های قدیم است.

مهابهارت (Mahâbhârata) که ممکن است مربوط به قرن دوم یا سوم قبل از میلاد باشد. در قرون بعد در این متون اصلاحاتی بعمل آمد. زیباترین بخش آن بهاگاوات گیتا (Bhaganat Gîta) سرود بهشتی است که یکی از خدایان کریشنا (Krishna) را تقدیس میکند. این کتاب توسط سنارت (Senart) تحت عنوان نامه‌های زیبا (Les Belles-Lettres) در سال ۱۹۴۴ در پاریس چاپ شد. رامایانا (Râmâyana) حماسه و قصاید قهرمانی است که تاریخ آن به تحقیق معلوم نیست و ممکن است قدمت مهابهاراتا (Mahâbhârata) باشد. این کتاب داستان زندگی یکی از خدایان موسوم به رام (Rama) را حکایت میکند که تولسی (Toulsi) شاعر قرن پانزده و شانزده آنرا بشعر سرود.

* * ☆

۲ - بحر وجود

هندیان مرفقی فلسفه اساسی دین برهمن را حفظ میکنند و گاهی بدبینی آنرا تخفیف میدهند.

کرک لینگر در کتاب خود قطعه بسیار جالبی از بهاگاوات گیتا را چنین بیان میکند: در این قطعه کریشنا نشان میدهد که نظیر برهما است الوهیتی که برهمن بی شخصیت سابق یعنی در عین حال قربانی قرون گذشته و وجود کل فعلی را ادامه میدهد:

«من خودم، قربانی هستم، من دعا هستم، من پیشکشی و عمل نیکوی آن میباشم. من عمل قربانی هستم، من شراب مقدس و همچنین آتشی که روی محراب میدرخشده‌ام. من پدر و مادر تمام اشیاء هستم، من کسی هستم که تولید میکند و نگاهداری مینماید. پایان هر خورد، پاک، کلام مقدس ام (om یا Aum کلمه الهیت در آن متراکم است)، کلمه الله، وداها. بقیه دارد»